گزارش

ویکی‌لیکس و سوالات بی‌پاسخ

گروه بین‌الملل: به دنبال انتشار بیش از ۲۵۰ هزار سند محرمانه توسط سایت ویکی‌لیکس، گمانه‌زنی‌های مختلفی در مورد اقدامات اخیر این سایت جنجالی مطرح شده است. سوالات فراوانی در مورد اهداف این سایت، صحت اسناد منتشرشده و اینکه به واقع چه فردی یا گروهی از انتشار این اسناد سود یا ضرر می‌کنند، مطرح است.

به گزارش ایسنا، روزنامه کریستین ساینس مانیتور در گزارشی در مورد افشای این اطلاعات محرمانه نوشت: «در حال حاضر بسیاری «برادلی مانینگ» یک افسر پنتاگون را به اتهام افشای این اطلاعات محرمانه محکوم می‌کنند، اما دولتی که می‌تواند جنگ به راه بیندازد در حالی که اطلاعات لازم برای دلایل به راه انداختن جنگ در اختیار دارد و مخفی‌کاری می‌کند، نه یک دولت آزاد است و نه به درد مردم آزاداندیش می‌خورد. مشکلات دولت امریکا با سایت ویکی‌لیکس همچنان ادامه دارد و دولت اوباما به شدت افشای این اطلاعات را محکوم کرده است. کاخ سفید افشای این اطلاعات را خطرناک و عجولانه توصیف کرده است. برادلی مانینگ پس از انتشار نوار ویدئویی که در آن مشخص شد هلی‌کوپتر امریکایی غیرنظامیان عراقی را به رگبار بسته، دستگیر و با اتهام انتقال اسناد محرمانه مواجه شده است. وی ممکن است با حکم ۵۲ سال زندان روبه‌رو شود. ویکی‌لیکس از تایید اینکه برادلی مانینگ عامل انتقال این اطلاعات بوده، امتناع کرده است. حال تکلیف ما چیست؟ آیا برادلی مانینگ برایمان یک قهرمان است یا یک تبهکار؟ زمانی که دولتی به طور مخفیانه دست به یکسری فعالیت‌هایی همچون به راه انداختن جنگ‌های متجاوزانه بر اساس یکسری اطلاعات ساختگی، بمبگذاری‌های مخفیانه و ترور و مانورهای دیپلماتیک با هدف جلب حمایت در دخالت در امور جهان می‌زند، مردم حق دارند بدانند دولت‌شان چه اقداماتی انجام می‌دهد. منتقدان ویکی‌لیکس می‌گویند سیاست خارجی نباید به صورت علنی مطرح شود، اما باید گفت این ادعا اشتباه است. سیاست خارجی امپریالیستی است که به صورت علنی نیست و مخفیانه اداره می‌شود.»

روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز نیز در گزارشی نوشت: «افشای این اسناد محرمانه توسط سایت ویکی‌لیکس مشکلاتی را برای امریکا ایجاد کرده است. در این اطلاعات این موضوع افشا شد که از دیپلمات‌های امریکایی خواسته شده از مقامات خارجی جاسوسی کنند. با این حال، اسناد اندک از این اطلاعات افشاشده باعث تعجب فعالان عرصه دیپلماسی شده است، چون آنها پیشتر به طور ضمنی در جریان این نوع موارد بوده‌اند. افشاگری‌های ویکی‌لیکس باعث شده مقامات امریکایی در موضع دفاعی قرار بگیرند و خود را در جایگاهی قرار داده‌اند که می‌خواهند از ویکی‌لیکس و مقاماتش شکایت کنند. با این حال افشاگری‌های ویکی‌لیکس اثبات‌کننده عدم اتخاذ تدابیر لازم از سوی دولت اوباما برای حفاظت از اطلاعات محرمانه و سری امریکاست. این افشاگری اثبات ناکامی دولت اوباما در امور اطلاعات بوده است.»

روزنامه شیکاگوتریبیون نیز در گزارشی نوشت: «آشکارترین درسی که از افشاگری‌های ویکی‌لیکس می‌توان گرفت این است که امور اطلاعات امریکا از کنترل مقامات این کشور خارج شده است و سیستم اطلاعات امریکا با خطر مواجه است. البته باید گفت سیستم اطلاعات امریکا مدت‌ها پیش با مشکلات جدی مواجه بوده اما با افشاگری‌های ویکی‌لیکس این موضوع اثبات شد. به گفته دیپلمات‌ها، این نوع اطلاعات در جوامع دیپلماتیک امری شایع محسوب می‌شود، اما مطمئناً برای افراد عادی اطلاعات جالب و عجیبی به شمار می‌روند. این اطلاعات محرمانه تایید کرد دنیا به مکانی خطرناک تبدیل شده؛ جایی که اغلب مقامات برای پیشبرد منافع‌شان حتی با افراد منفی و تبهکار نیز همکاری می‌کنند و دست به یکسری اقدامات ناخوشایند می‌زنند.»

خبرگزاری فرانسه از قول اسناد ویکی‌لیکس می‌نویسد چهره‌ای که این اسناد از احمدولی کرزی برادر کوچک حامد کرزی رئیس‌جمهور افغانستان ترسیم می‌کند چهره یک سردسته قاچاق مواد مخدر و فردی فاسد است. در یکی از یادداشت‌های منتشرشده در مورد احمدولی کرزی که در منطقه قندهار از چهره‌های قدرتمند است در ویکی‌لیکس آمده: در حالی که ناچاریم با احمدولی کرزی به عنوان رئیس شورای ولایتی تعامل کنیم اما همه می‌دانند او فاسد و یک قاچاقچی مواد مخدر است. بر این اساس باید پرسید نقش افراد و روابط خصوصی و مناسبات خانوادگی آنها در آینده یک کشور تا چه حد تاثیرگذار است؟

گفت‌وگو با بروس ریدل

پاکستان شکننده و در حال انفجار است

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

پاییز ۲۰۱۰ زیر سایه شوم ترور قرار دارد. سازمان‌های اطلاعاتی از طرح القاعده برای حمله به اروپا و امریکا خبر می‌دهند و چیزی نمانده بود که القاعده شبه‌جزیره عرب با آن بسته‌های پستی حامل بمب دو فروند هواپیمای باربری را در هوا منفجر کند و از سوی دیگر خشونت‌ها در افغانستان و پاکستان سر باز ایستادن ندارد. همزمان ناتو از یک راه‌حل سیاسی برای افغانستان می‌گوید؛ راه‌حلی که منظور از آن همان مذاکره با طالبان افغانستان است و این در حالی است که ملاعمر رهبر طالبان هرگونه مذاکره‌ای را تا زمانی که نیروهای بیگانه در افغانستان به سر می‌برند، منتفی می‌داند. با این حال کارشناسان امور افغانستان هنوز هم از اجتناب‌ناپذیر بودن چنین مذاکراتی دم می‌زنند. از سوی دیگر پاکستان هم منافعی در افغانستان دارد و تحت هر شرایطی در پی حفظ این منافع است و به همین خاطر اسلام‌آباد درصدد است احتمال هر گونه مذاکراتی را در نطفه خفه کند. «بروس ریدل» کارشناس معروف امور تروریسم در بنیاد بروکینگز در این مصاحبه در مورد موقعیت فعلی پاکستان و نقش بن‌لادن در رویدادهای اخیر و از مخاطرات دنبال کردن یک راه‌حل سیاسی برای افغانستان می‌گوید.

– آقای ریدل، فکر یافتن راه‌حلی سیاسی برای افغانستان با مشارکت القاعده روز به روز قوت می‌گیرد. این مساله تا چه اندازه دست‌یافتنی است؟

ما همگی از جنگ خسته شده‌ایم و به دنبال یک راه چاره هستیم و به یافتن راه‌حلی سیاسی تمایل داریم. با این حال پرسش این است که آیا طالبان اصولاً در موقعیتی هست که به روند و آن مصالحه‌ای که ما در سر داریم تن دهد؟ دلایل خوبی در این مورد وجود دارد که ما چیزی از دست نداده‌ایم اما باید صادق باشیم و قبول کنیم که احتمال جواب منفی طالبان بسیار زیاد است و اینکه القاعده و طالبان از نظر ایدئولوژیک و عملی پیوندهای عمیقی با یکدیگر دارند. در سال گذشته طرح‌هایی با پشتیبانی القاعده برای حمله به مترو نیویورک وجود داشت. حمله‌کنندگان از طریق طالبان به القاعده پیوسته بودند. به این ترتیب ما شاهد شرکت غیرمستقیم طالبان در سربازگیری برای یک حمله تروریستی به امریکا بودیم و این به آن معنی است که شکستن آن پیوند بسیار دشوار خواهد شد.

– طالبان افغانستان همیشه رسماً اعلام می‌کنند که علاقه‌ای به تروریسم بین‌الملل ندارند و خواهان مناسبات دوستانه با کشورهای منطقه هستند. آیا به این صورت می‌توان گفت تشتت آرا در میان طالبان وجود دارد؟

طالبان افغانستان از شبکه‌های متعددی تشکیل می‌شود و اینکه آیا تک‌تک این شبکه‌ها بر یک نظر باشند معلوم نیست اما گرایش غالب همه گروه‌های شبه‌نظامی که از داخل پاکستان عملیات می‌کنند، در حال حاضر این است که ایده جهاد مسلحانه باید در سطح جهانی گسترش یابد. طالبان افغانستان و پاکستان که به لحاظ سنتی در یک طیف فکری قرار دارند نیز روز به روز به این ایده نزدیک‌تر می‌شوند.

– گفته می‌شد ملا برادر کاندیدای اصلی طالبان افغانستان برای مذاکرات احتمالی است و خودش هم در این مورد ظاهراً اعلام آمادگی کرده بود اما مقامات پاکستان وی را بازداشت کردند. آیا اسلام‌آباد خواهان قطع چنین مذاکراتی است؟

در این مورد مساله بر سر ابعاد دیگری از یک مساله بغرنج است. پاکستان خواهان هیچ مذاکره‌ای میان طالبان افغانستان با دولت مرکزی یا میان طالبان و غرب نیست. پاکستان برای رسیدن به نتیجه مطلوب خود می‌خواهد این روند را کنترل کند یعنی تشکیل یک کشور اقماری در کنار پاکستان. هنگامی که ملا برادر از امکان مذاکرات صحبت به میان آورد سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان وی را دستگیر کرد. بر پایه اطلاعات من ملا برادر در حال حاضر در بازداشت خانگی به سر می‌برد. پاکستان با این بازداشت در واقع برای طالبان این مساله را روشن کرد که این گروه هیچ حرکت مستقلی را نمی‌تواند آغاز کند.

– شاید منافع پاکستان در افغانستان منافعی مشروع باشد اما وقتی خود پاکستان همیشه دچار بی‌ثباتی است این منافع هم معنی و اهمیت خود را از دست می‌دهد.

امروزه پاکستان گرفتار یک جنگ داخلی البته در ابعاد کوچک آن است. سال گذشته تعداد ۲۵ هزار پاکستانی بر اثر خشونت‌های تروریستی کشته و مجروح شدند؛ قربانیانی که همگی غیرنظامی بودند. این تعداد قربانی سه برابر بیشتر از کشته‌ها و زخمی‌ها در افغانستان در آن دوره زمانی بود. در حال حاضر پاکستان کشوری شکننده، غیرقابل پیش‌بینی و در حال انفجار است. همه آنچه در افغانستان اتفاق می‌افتد تاثیراتی گسترده بر پاکستان دارد. پیروزی طالبان در افغانستان نیز پیامدهایی شگرف خواهد داشت و می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای به قدرت رسیدن طالبان در پاکستان باشد.

– برخی کارشناسان بر این عقیده‌اند که امروزه احتمال به قدرت رسیدن طالبان در اسلام‌آباد بیشتر از کابل است.

به عقیده من طالبان نمی‌توانند ناگهانی و بی‌واسطه قدرت را به دست گیرند و البته این امر غیرممکن هم نیست. تا پیش از این هرگز کسی چنین احتمالی را نمی‌داد اما برای اولین بار به عنوان یک امکان واقعی از آن یاد می‌شود. افراطیون از دو راه می‌توانند به قدرت برسند؛ اولین راه گسترش ناگهانی خیزش طالبان است. اما راه دوم که محتمل‌تر به نظر می‌رسد این است که یک کودتا توسط نظامیان و از طریق هواداران طالبان ارتش می‌تواند راه را برای آنان باز کند. در حال حاضر در میان نظامیان پاکستانی نسبت به عملیات علیه شبه‌نظامیان نارضایتی‌های زیادی وجود دارد. چه بسا یک روز صبح از خواب بیدار شویم و یک ضیاءالحق جدید را بر سر قدرت ببینیم؛ یک جهادگر اصیل با این تفاوت که این بار دشمنی به نام شوروی را مقابل خود ندارد.

– کاملاً مشخص است که القاعده نه‌تنها با طالبان افغانستان بلکه با طالبان پاکستان نیز روابطی عمیق دارد. طالبان پاکستان به نوعی به عنوان بازوی قدرتمند القاعده در پاکستان عمل می‌کند.

دلیل این مساله درسی است که القاعده در عراق آموخت. القاعده مجبور به ترک عراق شد زیرا وقتی پیکارجویان خارجی را به جبهه فرستاد مردم عراق در پایان کار علیه آنها موضع گرفتند. به همین خاطر است که اکنون طالبان پاکستان و لشگر طیبه را در جبهه جنگ شاهدیم. به عنوان مثال می‌توان از ظهور طالبان پاکستانی یعنی الیاس کشمیری یاد کرد که مدت‌ها در کشمیر و افغانستان مشغول جنگ بوده است. این فرد امروزه چهره و نماد جهاد شبه‌نظامیان در پاکستان به شمار می‌آید. در افغانستان نیز وضعیت مشابهی را شاهدیم یعنی القاعده در آنجا جنگ را فرماندهی نمی‌کند و امروز جنگ بر عهده طالبان افغانستان است اما القاعده از پشت صحنه از آنها پشتیبانی می‌کند.

– با توجه به بغرنج بودن این مشکل اولویت جامعه جهانی چه باید باشد؟

باید ثبات و تداوم روند سیاسی در افغانستان را تضمین کنیم و به پاکستان پیامی آشکار بدهیم که اگرچه می‌تواند بخشی از این روند باشد اما اجازه غلبه و تسلط بر آن را ندارد. افغانستان کشور اقماری پاکستان نخواهد شد.

– در این موقعیت رهبری القاعده از چه اهمیتی برخوردار است؟ به عنوان مثال چه اهمیتی دارد اگر اسامه بن‌لادن بر اثر حمله یکی از هواپیماهای بدون سرنشین سیا کشته شود؟

چنین چیزی می‌تواند اهمیتی نمادین داشته باشد. در این حملات وی فوراً به شهید طالبان شبه‌نظامی تبدیل خواهد شد اما این کار پیامدهای عملی هم دارد. ما نباید اسامه بن‌لادن را سرنخ همه مسائل و مشکلات تصور کنیم. او به صورتی فعال یک سازمان تروریستی جهانی را کنترل می‌کند اما در مورد همه جزییات تصمیم نمی‌گیرد. البته راهنمایی‌های استراتژیک از سوی او ارائه می‌شود. ما هم از مخفیگاه وی هیچ اطلاعی نداریم و البته شاید در پاکستان باشد. این مساله بسیار محتمل است اما تا به امروز بزرگ‌ترین عملیات تجسس در طول تاریخ بشریت هم کوچک‌ترین اطلاعاتی در مورد محل مخفیگاه بن‌لادن به ما ارائه نداده است.

– در مورد خبری که از قول یکی از کارمندان ناتو نقل شد مبنی بر اینکه بن‌لادن در وزیرستان شمالی و در خانه‌ای مجهز زندگی می‌کند و ناتو هم از محل دقیق آن اطلاع دارد، چه نظری دارید؟

به نظر من این یک احتمال مستدل است، نه بیشتر.

– شایعاتی مبنی بر اقامت کادرهای بلندپایه القاعده در یمن وجود دارد. علت این انتقال ظاهراً خطرات ناشی از حمله هواپیماهای بدون سرنشین سیا و حمله احتمالی پاکستان به وزیرستان شمالی بوده است.

اگر گذشته القاعده را معیار بگیریم به عقیده من آنها در عمل دوراندیشی کرده‌اند. مطمئن هستم که آنها افراد کلیدی خود را به یمن و سومالی انتقال داده‌اند یا در پاکستان هر لحظه در حال تغییر محل اقامت هستند. در پاکستان به راحتی می‌توان مخفی شد؛ به عنوان مثال در محله‌های فقیرنشین حاشیه شهرهای بزرگ و به خصوص کراچی.

– القاعده تا به امروز ثابت کرده گروهی مقاوم است. این طور نیست؟

بله، القاعده ثابت کرده سازمانی بی‌نهایت چابک و مقاوم و کارآزموده است که می‌تواند خود را با شرایط جدید وفق دهد و خطاهایش را تکرار نکند. آنها از صبر و شکیبایی زیادی هم برخوردارند. القاعده برای حملات جنجال‌برانگیزش سال‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند و توانایی صبر کردن هم دارد. به همین خاطر من فکر می‌کنم این مشکل تا مدت‌ها باقی خواهد ماند. القاعده امروز هم سازمانی خطرناک است که نباید آن را دست‌کم گرفت.

منبع: اشپیگل آنلاین

نگاه

گزیده‌ای از مصاحبه پوتین با لری کینگ

اخیراً «ولادیمیر پوتین» نخست‌وزیر روسیه با «لری کینگ» مجری مشهور شبکه تلویزیونی «سی‌ان‌ان» امریکا گفت‌وگو کرده است. در این مقاله سوالات کینگ در خصوص امکان حضور پوتین در انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۲، مطالب منتشرشده در ویکی‌لیکس و پاسخ پوتین به آنها منعکس شده است.

کینگ: عصر به خیر. امروز برای برنامه «شوی لری کینگ» یک روز خاص است چون که بار دیگر در استودیو خود به استقبال «ولادیمیر پوتین» نخست‌وزیر روسیه می‌رویم. وی پیش از این ریاست‌جمهوری روسیه را بر عهده داشت و باعث افتخار من است که بار دیگر حضور وی در شوی تلویزیونی لری‌کینگ را خیر مقدم بگویم.

پوتین: عصر شما به خیر. به وقت شما بعدازظهر است و به وقت ما صبح، پس صبح شما هم به خیر باشد. از دیدار دوباره با شما خوشوقتم. من دیدار اول و مصاحبه قبلی را به یاد دارم.

کینگ: آقای نخست‌وزیر ضمن تشکر از اینکه در این برنامه حضور پیدا کردید با این سوال مصاحبه امروز را شروع می‌کنیم که آیا امکان دارد بار دیگر در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ شرکت کنید؟

پوتین: ما با پرزیدنت مدودف همکاری نزدیکی داریم و مدت‌هاست تصمیم گرفته‌ایم نسبت به انتخابات سال ۲۰۱۲ بر اساس منافع ملت روسیه اقدام کنیم.

کینگ: به عبارت دیگر این «امکان وجود دارد».

پوتین: باید دید. تا انتخابات هنوز زمان زیادی باقی مانده است. این انتخابات باید ماه آوریل سال ۲۰۱۲ برگزار شود. بار دیگر هم یادآوری می‌کنم ما مشورت کرده و بر اساس اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور تصمیم‌گیری خواهیم کرد.

کینگ: بسیار خوب. سوال بعدی، از نظر شما انتشار مطالب نامه‌نگاری‌های سیاسی و نظامی توسط ویکی‌لیکس نشت اطلاعاتی است؟

پوتین: برخی از کارشناسان معتقدند ویکی‌لیکس را عده‌ای مخصوصاً بزرگ می‌کنند، اعتبار این سایت را بالا برده تا متعاقباً از آن در اهداف سیاسی خود استفاده کنند. این یکی از گزینه‌های احتمالی است که در میان ما نیز طرفدار دارد. به نظر من در صورتی که این احتمال صحیح نباشد، این مساله حاکی از آن است که نهادهای دیپلماسی باید از مدارک و اسناد خود مراقبت بیشتری کنند. چنین نشت اطلاعاتی پیش از این نیز رخ داده بود. از نظر من این مورد هم «فاجعه» نیست.

کینگ: در خصوص سخنان «رابرت گیتس» وزیر دفاع امریکا مبنی بر اینکه دموکراسی در روسیه از بین رفته و دولت نیروهای امنیتی را هدایت می‌کند، پاسخ شما به وزیر دفاع و این سخنان چیست؟

پوتین: من با آقای گیتس چندین بار دیدار کرده‌ام و از نظر من ایشان انسانی خوش‌مشرب و کارشناس خوبی است. اما همان طور که همه مطلع هستند ایشان یکی از مسوولان سازمان مرکزی اطلاعات امریکا بوده و امروز نیز وزیر دفاع ایالات متحده است. اگر این شخص بهترین کارشناس امریکا از نظر دموکراسی است پس من به شما باید تبریک بگویم.

منبع: نووستی